**مصاحبه با HSMPrivateKabul100618**

**تاریخ 10 جون 2018**

**مکان: دفتر مرکزی شرکت**

ک: سوال اولم این است که وظیفه یتان چیست ده شرکت حاجی صاحب؟

HSMPrivateKabul100618: تشکر از شما که تشریف آوردید. ما به حیث رییس شرکت ده شرکت کار می کنیم.

ک: تصمیم گیرنده ی ده شرکت شما هستید؟

HSMPrivateKabul100618: بله فعلا ده همینجه ده افغانستان تصمیم گیرنده ی اصلی ده شرکت خودم هستم.

ک: شرکت چه تعداد کارگر داره؟

HSMPrivateKabul100618: شرکت ما خو در حال حاضر تقریبا 35 نفر تعداد کارگر ما میرسه.

ک: تعداد کس های که ده خود فابریکه کار می کنند، شاگردها چند نفر اس؟

HSMPrivateKabul100618: آنها ده حدود 25 تا 26 نفر برابر میشن.

ک: اینها قرارداد دارند یا این که بالمقطع وقتی که نیاز باشه کار می کنند و وقتی که [کار] نباشه رخصت میشن، ماهانه معاش می گیرند؟

HSMPrivateKabul100618: شرکت ما این طور اس که دو شفت داره. شب و روز اس. 12 ساعت از طرف روز میباشه. 12 ساعت هم از طرف شب، کار می کنیم. دو شفت کارگر داریم. کارگرهای ما اکثرا ما قرارداد می کنیم همراهشان و به حساب ماهوار اس. معاشات شان هم به حساب ماهوار پرداخت میشه. و کسی که، این طور قرارداد نمی کنیم برای پنج سال، یک سال یا دو سال، ها. همو قرارداد می کنیم که تا وقتی که همراه ما خوش بودند کار می کنن و اگر خوش نبودن، باز خودشان به ما احوال میتن، یک ماه پیش، که ما کار کرده نمیتانیم. شما برایتان نفر پیدا کنین. ها. به همی شکل.

ک: تولیدات به گونه ی مسقتیم با دست اس؟ یا این که ماشین اس که او ره کارگرها به کار می اندازن؟ یا این که نیمه اتومات اس به این معین که مواد خام داخل میشه و از آخر مواد پخته بیرون میشه؟ یا این که کاملا اتومات اس و هیچ انسان ده او دخیل نیس؟

HSMPrivateKabul100618: نی! نیمه اتوماتشه بگیر. از ما بعضی کارهایی ده دست میشه. تا یک اندازه ره. بعد از او که به ماشین رسید باز ماشین خودش او ره تولید می کنه. تا یک جایی ره کاریگرها مثلا مواده پیش می کنن، همو قالب می اندازن به حساب، ما او ره مکسر ما داریم، پخته می کنن باز پس توسط دست انتقال ماشین میشه و باز که ده ماشین رسید باز خودش کاروایی [فعالیت] خوده خودش می کنه به شکل اتومات تا که به آخر برسه. باز که ده آخر رسیده اینجه کار دست شروع میشه. اینجه قطع‌کاری و این چیزهایش که میشه بعد از او کارگرها او ره می گیرن و تا جایشه [جایی که مشخص شده] او ره می برن و کدام کاری که لازم باشه می کنن و فنشنگ [finishing] اش ره خلاص می کنن.

ک: نرخ حد اوسط یک تولید شما چند اس ده بازار؟

HSMPrivateKabul100618: نرخ دیگه، مال ما دو قسم [...] تولید می کنیم. یکی مال استندرد اس. و یکی مالی اس که به خاطر بازار. بازار آزاد به فروش می رسانیم. خو زیادتر حالی بازار آزاد زیادتر اس و مال استندر بسیار کمتر می برآیه. به خاطری که پروژه ها کم اس و پروژه ها این قدر نیسته. و مردم عام [از تولیدات ما بیشتر] استفاده می کنن. دیگه نرخ متفاوت اس. استندرد یک نرخ داره و مالی که به بازار جور می کنیم، او دیگه نرخ اس. دو نرخ اس.

ک: چند اس باز این نرخ ها؟

HSMPrivateKabul100618: مال استندرد ره ما به حساب وزن به فروش می رسانیم. مال استندردی که داریم تا 110 افغانی فی کیلو ما به فروش می رسانیم. و مالی که به بازار است او ره از 70 گرفته تا 75 افغانی ره ما به فروش می رسانیم.

ک: این ره به گونه ی عمده می فروشید؟

HSMPrivateKabul100618: عمده، بله ها!

ک: تولیدتان به اساس سفارش اس یا پیش‌تولید می کنید و خریدار پیدا میشه؟

HSMPrivateKabul100618: ما هم. همردویش ره داریم. هم سفارشی داریم که برای ما فرمایش میتن که این قدر مال به این سایز و به این وزن ما ضرورت داریم. بعد از او ما برای آنها مال تیار می کنیم. و یکی قسم دیگه ما خود ما ستوک جور می کنیم. مراکز فروشات داریم ده همی خود کابل و ده ولایات. برای آنها سایزها برای ما معلوم اس. اوزان معلوم اس که به این وزن به این سایز اینجه هر وقت به فروش میرسه. برای آنها تیار ما جور کرده میرویم. آنها که هر قدر لازم دیدن، ضرورت پیدا شد، موتر روان می کنن و بارگیری خوده می کنن، می برن.

ک: میزان تولیدتان چقدر اس برای ذخیره یتان یا این که فروشات تان بیشتر به اساس سفارش اس؟

HSMPrivateKabul100618: فروشات ما اکثرا به حساب چیزی خود ما اس، ذخیره‌سازی خود ما که ما ذخیره می کنیم و به فروش می رسانیم. فرمایش حالی بسیار کم شده. فرمایش کم شده به خاطری که پروژه ها کمتر شده. خود ما که همی نمایندگی ها داریم ده ولایت ها برای آنها همینجه ستوک می کنیم و سایزهایش به ما معلوم است. که این سایزها ره اینها فروش می کنن. خو این طور نیسته [که معلوم باشه] روزانه آنها برده میرن. روزانه برده میرن به مقدار ضرورت خود.

ک: خریدار روزانه پیدا میشه و میبره؟

HSMPrivateKabul100618: خریدار آزاد خو اگه امروز پیدا نشه صبح میشه. یک روز بعد اس، دو روز بعد اس. و از خود ما که اس باز روزانه به همو نمایندگی های خود توزیع می کنیم و می بریم.

ک: این نمایندگی ها مربوط شرکت میشه یا این که آنها هم خریدار هستن؟

HSMPrivateKabul100618: نی! ما قسمی چیز کرده ایم که آنها سهامی هستن تقریبا. یک چیزی ما خود ما سهم داریم و یک چیزی به آنها سهم داده ایم. نرخ ها ره برایشان تثبیت کرده ایم که شما به فروش برسانید و فایده اش باز به همو حساب سهم تقسیم میشه.

ک: به اساس همین پلانی که شما دارید، ده یک فصل تولیدی چقدر تولید می کنید؟

HSMPrivateKabul100618: این خو مربوط به بازار اس دیگه. اگه بازار تیز باشه ما میتانیم که ده همی یک فصل [...] باز هر ماشین ما تولیدش معلوم اس که چقدر تولید می کنه. خو خصوصا ده همی فصل های – ما سیزن میگیم یا فصل های فروشات – ده اینجه دیگه تقریبا در ماهی صد تُن تا 120 تُن مال ره ما تولید می کنیم و به فروش میرسانیم.

ک: کدام سیزن اس باز این گونه تولید و فروشات؟

HSMPrivateKabul100618: همین از ماه حمل که شروع میشه تا به آخر قوس. بعد از او باز بازارها سست میشه یک کمی. خو او باز هم به اوضاع امنیتی افغانستان و همی چیز ربط داره. یعنی سال های که 2010، 12 و 13 بود نسبتان فروشات زیادتر بود. تولید هم بلند رفته بود. فرمایشات زیاد بود. و از 2014 به این طرف نسبتان فروشات کمتر شده و تقاضای مردم کمتر شده و سر بازار تأثیر کرده.

ک: همین اوضاع امنیتی گفتید. این چگونه برعلاوه ی که از 2014 به این طرف تأثیرگذار بوده، این طور وقتی هم شده که دسترسی به مواد خام و فروشات تان به خاطر یک حادثه ی امنیتی با مشکل مواجه شده باشید یا وضع امنیتی چگونه تأثیرگذار بوده بالای صنعت تان؟

HSMPrivateKabul100618: وضعیت امنیتی بالعموم خودش ده ولایت های که ناامن شده کارها کم شده. زیادتر مال های ما به فروش میرسه ده طرف ولایات، ده ولایات به فروش میره. ده اونجه که امنیت خراب اس، جنگ ها زیاد اس، دیگه کارها نسبتا کم شده. کار نمی کنن. خو وقتی که امنیت خوب بود کلگی کوشش می کرد که یک خانه جور کنه، یا زمین خوده آباد کنه یا یک چاه بزنه. یا همو زراعت خوده رُشد بته. دیگه به همو حساب وقتی که اونجه امنیت برهم و درهم خورده کارها هم نستبان کمترشده. این رقم تأثیر منفی داره سر چیز ما، تولیدات ما.

ک: پس تولیدات بیشتر ده ولایات روان میشه؟

HSMPrivateKabul100618: زیادتر ده ولایات.

ک: برای ایجاد شرکت شما قرض گرفتید از کدام بانکی، یا این که دولت به شما کمک مالی کرد، یا این که سرمایه کاملا شخصی بود یا این که اعضای جامعه آمدند کمک کردن به شما؟

HSMPrivateKabul100618: ما خو همی کاره که شروع کردیم ده قدم اول ده 2003 ما ده جلال آباد، ننگرهار.

ک: از 2003 پس فعال استید؟

HSMPrivateKabul100618: ده اونجه ها. کاره شروع کردیم به حساب شرکت تجارتی وارداتی. مال ده او وقت تولید ده اینجه نمیشد. ده افغانستان برق هم بود، مشکلات کارگر هم بود. بسیار زیاد مشکلات ها بود. و چیز هم بود، مشکلات بنادر هم بود. مال از او طرف ارزان می آمد و در اینجه که تولید می کردی قیمت تمام میشد. دیگه ما از کشور پاکستان از اونجه اجنسی [agency] گرفته بودیم از فابریکه های مشهور. او مال ره می آوردیم اینجه به فروش میرساندیم. نمایندگی شان ما بودم دیگه، دیلرشان. دیگه او مردم کتی ما به حساب لیمیت کریدیت [limit credit] برای ما پول قرضه می کردند. آنها قرضه می کردند ما که ماله به فروش می رساندیم آهسته آهسته پوله پس برایشان ارسال می کردیم. به همو اندازه ی ضرورت. باز انها کتی ما قرضه می کردند و به همو اندازه ی ضرورت. این کارها کلش به حساب اعتماد میشد. یک اعتماد اونجه می داشتیم، یک چیز میداشتیم، بعدا همراه شرکت ما این کار ره می کردند. به این حساب کارها ده همو ابتدا یک ذره خوبتر بود. فایده اش هم خوبتر بود. قرا قرا قرا قرا [آهسته آهسته] یک دکانک داشتیم، دکان ما به شرکت تبدیل شد. گدام ها گرفتیم و کتی پروژه ها و کتی انکشاف دهات و مردم محل قراردادها بود. مثلا کارهایشان برای کارهایشان مواد تهیه می کردیم. به حساب چاه های عمیق، برمه کارها بود کتی آنها قراداد می کردیم. چاه هایشانه می کندیم. دیگه به همو سلسله یک ذره پول خودم هم به دست آوردم سرمایه جور کردیم. وقتی که سرمایه جور کردیم تا 2015 یا 14 آخرشه ما از همونجه مال وارد می کردیم اینجه به فروش می رساندیم. بعد از او باز حکومت تصمیم گرفت که اینجه بعضی فابریکه ها جور شده بود مال اینها به فروش نمیرسید و به تاوان بود و مردم ممکلت هم خوب بود ده کار مصروف میشد. باز اینها شکایت کردند و تعرفه ره بلند بردند. خصوصا ده بعضی اقلامی که ده اینجه تولید میشد و خودکفا بودیم. وقتی که قیمت ها بلند رفت باز او مال اینجه به فروش نمیرسید. مشکل بود. باز ما تصمیم گرفتیم که باید یک چند پایه ماشین خود ما بخریم و جای پیدا کنیم و تولید خوده خود کنیم. چون ده بازار ما مطرح بودیم. مشری ها داشتیم. نمیتانستیم که از ای کار خود دست برداریم. به همو حساب دیگه باز ما خود ما اینجه تصمیم گرفتیم به صنعت رو آوردیم.

ک: چقدر در همو اول سرمایه گذاری کردید برای ایجاد شرکت؟

HSMPrivateKabul100618: در قدم اول خو ما خود ما پول نداشتیم همو مردم همراه ما کمک کردند. مال خوده دادن و ما اینجه به فروش رساندیم. باز آهسته آهسته پول به دست آمدک [قطع]

ک: ده سال 2015 چقدر؟

HSMPrivateKabul100618: ده 2015 که ما اینجه سرمایه گذاری کردیم تا هفت لک دالر ره ما خود ما سرمایه گذاری کردیم.

ک: ماشین آلات و [قطع]

HSMPrivateKabul100618: ماشین آلات و سامان و چیزی وسایلی که ضرورت بود. مواد خام و همه چیز ره آماده کردیم.

ک: معاش کارگرها باز چند اس؟

HSMPrivateKabul100618: معاش کارگرها ده ابتدا کمتر بود یک ذره. سال به سال کمی بلندتر کردیم. حالی دیگه از کارگر عادی از هفت هزار افغانی شروع اس تا به 35 هزار تا 40 هزار، 30 هزار، اوستاهای ما که هستند کارمندهای تخنیکی و مسکلی که اس اونها ره [به همین اندازه] معاش میتیم.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه ی صنعتی هم اس؟

HSMPrivateKabul100618: شامل همین اتحادیه ی که خودتان معرف شدین شامل همی اس.

ک: عضویت ده این اتحادیه کدام کمکی کرده به شما؟

HSMPrivateKabul100618: والله طبعا کمک می کنه. اتفاق و اتحاد که باشه ده هر جای، یک سر که باشه او کمک می کنه. ده مسایل حکومتی و دولتی یگان کارهای چیزی [رسمی] میباشه که [برایشان] هماهنگ میشیم [از طریق اتحادیه]. یک چیز میشیم و یک سر و صدای ما ره یک کس می شنوه. اگه تنها باشیم باز کسی نمیتانه که به تنهایی پیش بره.

ک: خوبیش ده همی اس پس که یک مجمتع هستید؟

HSMPrivateKabul100618: خوبیش ده همی اس [بله] که عضو یک اتحادیه هستیم و ده چیزهای دولتی میتانه که ما ره کمک کنه.

ک: شما ده ساعت‌های تفریح چی می کردید؟ پیش از 2003. برای وقت گذرانی وقتی که فارغ می شدید؟ دوست ها ره زنگ می زدید؟

HSMPrivateKabul100618: بله ها. ما خو سابق که بود ده یک موسسه کار می کدیم خود ما. فامیل هم ده پاکستان بود و ده عالم هجرت زندگی می کردیم. چون اونجه ده هفته ای که یک روز رخصتی می داشتیم یا دو روز، همو روزها ره ده بعضی وقت ده کارهای فامیل و مصروفیت ها و چیزها مصرف می کدیم. یا مرده و زنده می بود. یا یگان جای مهمانی می بود می رفتیم. از دوست ها با خبر می شدیم. دیگه وقت های تفریح خوده ده همی چیزهای خود مصرف می کدیم، ده همی چیزها. زندگی خوده پیش می بردیم. و دیگه روزهای رسمی می بود ده دفتر میرفتیم کار می کدیم، چیز می کدیم.

ک: ده این عادت هایتان بعد از این که داخل کار صنعت شدید چی تغییراتی آمد؟

HSMPrivateKabul100618: تغییرات خو بیشتر زیاد آمده. [مزاحمت]

ک: حالی چی تغییرات آمده بعد از 2003.

HSMPrivateKabul100618: تغییرات خو زیاد آمده. ما او وقته و این وقته که مقایسه می کنیم، او وقت ذهن ما بسیار آرام بود [خنده] بسیار آرام بود. چون این قدر مشکلات ها نبود. تشویق ها نبود. او زندگی و این زندگی ره که مقایسه می کنیم زمین و آسمان فرق داره. وقتی که ده یک کار بزرگ داخل میشی، دیگه حتما مسؤلیت زیاد میشه. مشکلات ها زیادتر میشه، از هر ناحیه. دیگه این زندگی و او زندگی ره که ما مقایسه می کنیم تفاوت داره، بسیار زیاد.

ک: حالی مثلا چی می کنید ده وقت فراغت؟

HSMPrivateKabul100618: حالی خو مه تنها روزها جمعه تفریح داریم بس. ده این روزهای جمعه اگه یگان وقت چکر باشه وقت چکر باشه میریم یگان جای این طرف او طرف. دیگه مرده و زنده اس، اونه افغان ها ره خو خودت می فهمی که یک روز رخصتی داره که همو کارهای مرده و زنده ی خوده، و یگان دوست و اقارب خوده دیدار و دید و وادار [دید و بازدید] می کنه و بس. مشکلات فامیلی اگه چیزی باشه اونها ره رفع می کنه.

ک: یک فامیل دارید یا دو فامیل؟

HSMPrivateKabul100618: نی ما خو یک فامیل داریم.

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

HSMPrivateKabul100618: والله مطالعه داریم، کم کم داریم ها.

ک: قبلا هم می کردید، پیش از 2003؟

HSMPrivateKabul100618: بله ها. ده او وقت خو زیاد وقت داشتیم نسبت به حالی. حالی وقت کم شده. او وقت وقت زیاد داشتیم.

ک: ده اجتماع مردم شما ره با چی دیدگاهی می بینند؟ پولدار، مرفه، متوسط، فقیر؟ درکی که خود و مردم داره

HSMPrivateKabul100618: تا که ما همی کار و باره ره شروع کرده ایم و طبعا مردم ما ره به حیث سرمایه دار و تجارپیشه و کار و باری ما ره می شناسن. به خاطری که بعضی کارهایی ره ما هم می کنیم ده مقابل مردم [برای مردم] که یگان کمک می باشه و یگان چیز میباشه، که آنها خودشان می فهمند که همی مردم یک کمی نسبتان خوبتر است از ما کرده. کارشان خوب است. به مردم معلوم هستیم، ده همو جامعه و منطقه ی خود که "اینها مردم کار و باری" هستن.

ک: به مردم به چی شکل هایی کمک می کنید وقت و ناوقتی؟

HSMPrivateKabul100618: مطابق وسع خود دید و شیوه ی اسلامی خود پیش میریم. وقتِ زکات که میباشه زکات خوده میتیم، وقتِ صدقه که باشه صدقه ی خوده میتیم. وقتی یگان کسی حاجتمند قروض مروض، قرضه می خواهه همراهشان کمک می کنیم. و دیگه بعضی کس های بیکار میباشه از ما تقاضا می کنه که ما ره ده همو شرکت یک کار بتین یا یک کار برای ما پیدا کنین. به همی حساب که از وسع ما پوره باشه می کنیم همراهشان.

ک: تحصلاتتان ده چی حد اس؟

HSMPrivateKabul100618: شانزده پاس هستم از پوهنتون کابل پوهنزی انجنیری دپارتمنت سیول [civil] فارغ شده ام، ده زمان حکومت طالب ها.

ک: اگه وقتش ره داشته باشید از اینها کدامش ره انجام می دهید [گزینه ها]

HSMPrivateKabul100618: والله به چیزهایی که شما گفتید به محافل موسیقی خو ما زیادتر علاقه نداریم به خاطری که ...

ک: نمایشگاه هنری منظورم بود

HSMPrivateKabul100618: نه نمایشگاه هنری اوقه زیاد چیز ندارم! خو زیادتر ما اگه میریم بعضی اوقات میریم به تفریح به طرف قرغه یا طرف جلال آباد و ننگرهار و پل بهسود، بعضی اندیوال ها که یکجا میشیم باز به خاطر تفریح میریم. و فامیل ره یگان وقت میبریم ای طرف او طرف. و زیادتر علاقه به چیزهای خود داریم و زیاد افراط و تفریط نمی کنیم.

ک: ده کدام نقطه ی شهر؟

HSMPrivateKabul100618: ما ده حوزه ی هشت، ساحه ی ولایتی بی بی نثار که میگن طرف سرک لوگر گفته. مربط حوزه هشت ده همی کابل.

ک: قبلا هم همونجه بودید؟

HSMPrivateKabul100618: تقریبا ده حدود ده سال میشه که ما همانجا جای خریده ایم و آباد کرده ایم ده همو منطقه. جای ما خو اصلا از ولایت لوگر هستیم. خانه و زمین پدری ده همونجه استه. و ده 65 که مهاجر شدیم تا تقریبا خیلی وقت اونجه بودیم، ده پاکستان. بعد از این که آمدیم دیگه وطن نرفتیم. همینجه که جای گرفتیم ده همینجه بود و باش می کنیم.

ک: اطفال مکتب خصوصی میرند یا دولتی؟

HSMPrivateKabul100618: اطفال ما خو زیاتش ده همو پشاور تعلیم خوده کرده اند. مکتب های به حساب مهاجرین بود. باز که اینجه آمدیم بعضی اش ده دولتی اس بعضی اش ده خصوصی اس.

ک: چی تعداد ده خصوصی و چه تعداد ده دولتی؟

HSMPrivateKabul100618: حالی خو یک، یکی اش ده دولتی اس و یکی اش، دخترکم ده پشاور فارغ شد از صنف دوازده، حالی دو تا دخترکم اینجه ده دولتی بود، یکی اش فارغ شد ده پوهنتون شخصی سلام انداخته ایم که همونجه درس میخانه. و یکی اش ده همو دولتی فعلا هم درس میخانه. یک بچیم اس که ده پوهنتون شخصی درس میخانه، ده پوهنتون رنا. ده اونجه درس میخانه. و یک بچه گک کلانم که اس او خو ده خارج اس، ده لندن همونجه بود و باش می کنه.

ک: برای ایجاد شرکت چی گونه روابطی به دردتان خورد؟

HSMPrivateKabul100618: والله ده همو ابتدا ما ده پاکستان هم یک شرکت داشتیم خو خودما دخیل نبودیم. یک برادرما بود ده اونجه. یک سهم داشته. باز به همو سلسله تقریبا از همونجه ما منبع گرفتیم. منبع، سرچشمه از همونجه گرفتیم. اونها ما را سپورت کردن ده جلال آباد نمایندگی دادن. همو اموالی که ده اونجه تولید میشد، اونها ده فابریکه ی خود تولید می کردن. باز چند دوست هایی یکجا شدیم. یکی دیگه از رفیق های آنها اونجه بود، یک برادر او شد و یکی مه شدم و یکی دیگه برادر رفیق ما بود، تقریبا هم دوره ی پوهنتون بودیم. باز همینها ده جلال آباد هم بودند و بلد هم بودن، همراه اینها مشوره کردیم و همونجه یک دکان ره برابر کردیم و شرکت جور کردیم و مال ره از اونجه [پاکستان] آوردیم و وارد کردیم. آهسته آهسته ده او وقت ما تقریبا ده ماهی هم فروشات نمی داشتیم. همیطور قرار شیشته می بودیم. تا که یک کمی کار و بار صر گرفت [رونق پیدا کرد] و مشهور شدیم ده بین مردم. کار ما فضل خدا باز رُشد گرفت و پیشرفت کرد.

ک: فعلا چند موتر دارید حاجی صاحب؟

HSMPrivateKabul100618: شخصی؟

ک: بله

HSMPrivateKabul100618: خودم خو یک موتر دارم.

ک: مودلش چی اس؟

HSMPrivateKabul100618: مودلش 2007 اس.

ک: حج چند بار رفته اید؟

HSMPrivateKabul100618: حج فرضی یک بار رفته ام و عمره هم یک بار رفته ام.

ک: سفر هم میرین گاهی برای تفریح؟

HSMPrivateKabul100618: سفر یک دفعه دوبی رفتیم و چندین بار دیگه فرصت چیز شده ولی خو مصروفیت زیاد اس و مه خودم تنها هستم ده شرکت. ایقه زیات به طرف سفرهای خارج چیز نکرده ایم. از این به بعد یگان وقت تصمیم دارم که بروم باید.

ک: چند باب خانه دارید حاجی صاحب؟

HSMPrivateKabul100618: خانه خو ده وطن اس، همو پدری اس. ده اینجه یک خانه داریم. دیگه به حساب زمین کم و تم داریم. ایطور خانه نیس دیگه.

ک: یک تصویری از دوست هایتان بتین! وقتی که فارغ می شوید گفتید یک گروپی از اندیوال ها اس که همراهشان میروید قرغه و جاهای دیگه. اینها کی ها هستند و چی رقم انسان هایی هستند؟

HSMPrivateKabul100618: قرغه خو ما یگان وقت همراه فامیل و اینها میرویم. و یگان دوست هایی که یگان وقت از جلال آباد می آیند. همی دولت های ما. یک دوستم شریک ما است که می آیند اینجه. به خاطر تفریح همراهشان میریم یگان جای که آنها ره چکر بتیم یا چیز کنیم. و دیگه به حساب دوست ها نزدیک دیگه است همو بچه های کاکا اس، خواهرزاده ها اس. پهلوفیل [پهلوی ما] نزدیک استن یگان وقت [قطع]

ک: همراه دیگر صنعتکارها هم روابط دوستانه دارید؟

HSMPrivateKabul100618: استه ها. بعضی صنعتکارها است ولی کتی از اونها ده چکر این طور یگان پروگرام ها و نشست های که میباشه باز کتی اونها یکجا میباشیم. یگان مهمانی می کنن، یگان جای مثلا.

ک: روابط تان همراه اینها بیشتر نشده؟

HSMPrivateKabul100618: شده. کتی زیادتر مردم ما روابط ما زیادتر شده تا صنعت ره شروع کرده ایم. خصوصا کتی صنعتکارها. کس ها ره که نمی شناختیم آنها ره شناختیم.

ک: طرز تصمیم گیری ده شرکت به چی گونه اس؟ شما تصمیم می گیرید و بعد ابلاغ می کنید یا این که همه اعضای شرکت و شاگردها ده تصامیم کلان همراه شما سهیم هستند؟

HSMPrivateKabul100618: نی! اعضای کلیدی شریک هستیم.

ک: چند نفر هستند اعضای کلیدی؟

HSMPrivateKabul100618: اعضای که ما تقریبا 3 نفر کلیدی شریک هستیم ده این. آنها دیگه ده تصامیم بزرگ که مثلا چی کنیم، چی نکنیم، شرکت ره چی قسم رُشد بتیم، کدام کار ره شروع کنیم، کدامی ره نکنیم، ده کجا کتی کدام مردم معامله کنیم، نکنیم، ده این چیزها همی 3 نفر ما تصمیم می گیریم. یا اگه کدام کاری ره شروع می کنیم باید هر سه نفر هم نظر باشیم و خبر باشیم. و دیگه کارهای خُرد و ریزه که اس ده داخل همی شرکت مربط خود همی شرکت میشه، که حالی مه خود چیز استم. و به مه عام و تام صلاحیت داده اند که تو خود کدام کارهایی ره مثلا، کدام کارگری ره میگیری، کدامی ره دور می کنی، کدام کار ره پیش می بری، کتی کسی معامله می کنی، و چی می کنی، ده او خودم مسؤلیت دارم.

ک: به شاگردها به غیر از معاش دیگه چی خدماتی ارایه میشه؟

HSMPrivateKabul100618: برای شاگردها دیگه خدماتی یگان وقت یگان بوت، کالا و یگان چیزها برایشان می خریم. کمک نقدی می کنیم. سه وقت نانشان اس سر ما. جایشان مثلا، جای بود و باش شان سر ما اس.

ک: چند نفر بود و باش دارن اینجه؟

HSMPrivateKabul100618: بود و باش دیگه تقریبا تنها خود و معاونم میرم، دیگه کلش همینجه می باشن. بود و باش دارن. یک نفر یا دو نفر خانه یشان نزدیک اس میرن. دیگه زیادترش از ولایات اس. اونها باز ماه ده ماه میرن یا جمعه ده جمعه میرن.

ک: بیشتر از کدام ولایت هستن؟

HSMPrivateKabul100618: از جلال آباد اس، از ننگرهار، از خوست، پکتیا، لوگر، از کندز، از لغمان، از خود کابل.

ک: بیشتر کس های تصمیم گیرنده اس، همی 3 نفر، اینها از افغانستان هستن؟

HSMPrivateKabul100618: بله ها. کلشان باشنده ی افغانستان هستن.

ک: همراه شرکت های دیگری که تولید شما ره دارند و ده عین صنعت مصروف هستن، همراه آنها هم داخل رابطه میشن، همراه آنها هم مشوره می گیرین، که شما به آنها مشوره بتین یا آنها به شما مشوره بتن؟ این گونه؟

HSMPrivateKabul100618: هست، همکاری دو جانبه اس. مثلا ما چیزی ره می فهمیم آنها از ما پرسان می کنن. مثلا چیزهایی ره که ما معلومات نداریم همراه آنها خوده هم‌نظر می کنیم باز مشوره متین برای ما. مثلا کدام منابع که از مواد خام ما دسترس نداریم از آنها پرسان می کنیم. به این حساب باز معلومات برای ما میتن. باز به حساب دیگه معلومات هم، یگان، داریم. مثلا مال می گیریم، مال میتن و این همکاری ها ره داریم بین خود.

ک: او شرکت ها بیشتر ده همی پارک های صنعتی استن؟

HSMPrivateKabul100618: زیادترش ده همینجه هستن و ده ولایات هم استن. زیادترش ده همینجه هستن.

ک: همراه دولت چی؟ نهادهای دولتی حمایت از سرمایه و صنعت، این طور معلوماتی ده اول به شما دادند که ما ده این بخش به تولید ضرورت داریم یا این که بعدا کمک مالی کرده باشند یا از شما مشوره گرفته باشند؟

HSMPrivateKabul100618: دولت خو در ابتدا به ما کدام مشوره ای نداد. ما خود ما چون ده این رشته یک کمی وارد بودیم و می فهمیدیم. خود ما تصمیم گرفتیم که ما همینجه همی کار ره شروع کنیم. خو ده ابتدا دولت هم آن قدر چیز [آماده] نبود. حالی ده همی دوره ی آخر یک پافشاری انداخته که با صنعتکارها باید کمک شوه و همکاری شوه. از هر لحاظی که مشکلات داشته باشند مشکلات شان ده نظر گرفته شوه. در قدم اول خو مشکلات ها زیاد بود. از طرف دولت هم با ما همکاری نبود. هیچ چیزی نبود. خود ما به همو توان و قدرت و به همو چیز خود پیش می رفتیم. اگر چه مانع از طرف دولت ده کارهای دولتی که ما مثلا بعضی کارهای ما پیش دولت میرفت، مانع پیدا می کردن. مشکلات ها و جنجال ها ره به ما پیدا می کردن. مانع ایجاد می کردند. حالی الحمدالله یک کمی تا که آقای اشرف غنی یک کمی چیز شده با صنعتکار یک اتاقی به نام صنایع جور کردن که تمام مشکلات آنها باید شنیده شوه. از ای طریق باز به ریاست جمهوری و به وزرا و اینها پیش شوه تا مشکلات ها حل شوه. حالی نسبتا از پیش کرده همکاری شان خوب شده و ده حساب برق ما بسیار مشکل داشتیم. چون فابریکات به برق استوار اس و تولید به برق استوار اس. که برق نباشه تولید هیچ معنایی نداره. سابق بسیار خراب بود. از نگاه ولتاژ کم می بود. مثلا نمی بود ده طول روز دو ساعت سه ساعت. مکمل روز نمی بود. خو حالی الحمدالله این مشکلات ها یک کمی کمتر شده نسبت به سابق. مکمل حل [هم] نشده خو نسبتا کمتر شده.

ک: زمین ره باز کرایه می دهید؟

HSMPrivateKabul100618: بله، زمین ره اینجه که هستیم کرایه میتیم. خو برای ما ده بگرامی نساجی یک دو جریب جای داده اند خو تحت اعمار اس. تا هنوز برابر نشده. اونجه مشکلات برق و کارهای ساختمانی اش هنوز مانده. نشده.

ک: او ره دولت داده؟

HSMPrivateKabul100618: دولت داده ها. دولت داده خو ده مقابل پول داده دیگه. این طور نداده که بیخی مفت داده باشه!

ک: ده این چند سالی که شما فعال بوده اید این طور کدام وقتی هم شده که احساس کرده باشید که این کار دیگه نتیجه نمیته به خاطر شرایط افغانستان. پوله ذخیره کرده باشید که ده یک جای دیگری ده یک عرصه ی دیگری سرمایه گذاری کرده باشید یا اینکه کاملا توقف بتین این تجارت ره [تصحیح] صنعت ره؟

HSMPrivateKabul100618: والله بعضی وقت ها که آدم خسته میشه مأیوس میشه از بعضی کارها این طور [همین طور] یک نظر، یک فکر پیدا میشه که آدم ناحق ده همی رشته سرمایه گذاری کد! از این کده که یک کار دیگه ره شروع می کدم، یک کار دیگه ره می کردم خوبتر بود، سبک تر بود و جنجال هایش کمتر بود. بعضی مشکلات های ره که آدم رو به رو میشه، یا چیز میشه نی! آدم مأیوس میشه. این طور بعضی اوقات پیدا میشه خو باز هم اما با مشکلات شانه داده ایم و مثلا بردباری و تحمل کرده ایم دیگه [خنده]

ک: انگیزه چی بوده [برای این بردباری] چرا با وجود این که فرضا شما دیده اید و مأیوس هم شده اید، ولی ادامه داده اید. دلیل چی بوده؟ چرا؟

HSMPrivateKabul100618: انگیزه اش خو همین بود که چون ما همین بخش صنعت خوده خیلی وقت اس که شروع کرده ایم و پیسه ی ما ده بازار پیش هر کس اس. سرمایه ی ما پیش هر کس اس. اگه ما ای بخش ره توقف بتیم جمع کردن یا جمع آوری پول ما، سرمایه ی ما باز بسیار دشوار میشه. دیگه ما به همی فکر به همی نظر بودیم که ای کار خوده ادامه بتیم به خاطر بقای پول خود. به خاطر بقای سرمایه ی خود.

ک: شما به شکل اوگرایی می فروشید؟

HSMPrivateKabul100618: بله ها. شکل اوگرایی اس. نقد هم اس خو بسیار کم اس. افغانستان کلش کار و بار به سیستم اوگرایی روان اس. اگه ما مواد خام می خریم هم به حساب اوگرایی اس. چون سرمایه ی گزاف هیچ کسی این قدر نداره که به تنهایی خودش از هر لحاظ پوره باشه و هر چیزه برابر کنه. اگر تجار اس هم به همی شکل اوگرایی پیش میره، اگه ما هستیم مال خوده به فروش می رسانیم به شکل اوگرایی پیش میریم. سیستم اوگرایی است. خو نفر ره [قبلا] دیده و کار ره کرده.

ک: یکی از دلایلی که گفتید که کار ره ادامه می دهید همی اس که پول پخش اس؟

HSMPrivateKabul100618: بله ها! پول ما پخش اس پیش مردم.

ک: بازاریابی و فروشات شما بیشتر ده کدام ولایات میشه؟

HSMPrivateKabul100618: بازاریابی ما زیادتر ده خود همی ولایت کابل است و ننگرهار است. عمده فروشات ما ده همی دو ولایت اس. دیگه ولایت ها هم میره اما کمتر.

ک: پس بیشتر ده کابل؟

HSMPrivateKabul100618: بیشتر ده کابل به خاطری که نمایندگی ما ده کوته سنگی هسته و بیشتر مال ما ره او به فروش می رسانه. و یک نمایندگی دیگه ی ما ده جلال آباد اس و بیشتر مال ما ره او به فروش می رسانه.

ک: آخرین باری که بالای توسعه شرکت پول مصرف کردید کدام سال بود؟

HSMPrivateKabul100618: ده همی 2016 و 17، ده بین همین دوتا بود. به خاطری که وسعت دادیم. بعضی ماشین ها ره اضافه کردیم و کار خوده یک کمی چیز کردیم.

ک: چون تقاضا ده بازار زیاد شد؟

HSMPrivateKabul100618: تقاضا هم زیاد بود و بعضی بخش ها ره ما نداشتیم. به حساب پیپ های لوله ی سبز، پیپ های سیاه، برای اینها باید یک ماشین می گرفتیم که کار ما زیادتر. بعضی چیزهای دیگه هم کمبودات داریم خو چون سرمایه ی این قدر نیس که ما کل ای ره پیش ببریم. ستپ بای ستپ [step by step] باید پیش برویم.

ک: مواد خام‌تان باز بیشتر از کجا، منبع اش ده کجا اس؟

HSMPrivateKabul100618: مواد خام مه خو ده ای پی.وی.سی ریزن [PVC resin] استفاده میشه که مشتقات تیل اس تقریبا. و این ده ممالک زیاد میباشه که تیل داشته باشه که از او جمله یکی خو ممالک عربی اس. چین اس، و ایران اس. دیگه حالی ده افغانستان که اس از ممالک عربی خو نمی آیه به خاطری که خودشانه چیز کنه. از چین زیادتر مال می آیه. و از ایران هم می آیه.

ک: از داخل هم کدام مواد خام استفاده میشه؟

HSMPrivateKabul100618: داخل خو نداریم مواد.

ک: هیچ نداریم؟

HSMPrivateKabul100618: هیچ نیسته! ده داخل.

ک: کدام شرکتی دیگری هم نیامده نگفته که ما [قطع]

HSMPrivateKabul100618: نی تا هنوزه نیامده اگر چه ده پاکستان یک شرکت استه به خاطر همی فابریکه های خُرد، کمبایند شرکت [combined] شرکت اس. کتی جرمن ها اس، یا کتی جاپانی ها اس که شریک شده اند. همونجه خودشان تولید می کنن ده کراچی. به نام انگرو. لیکن ده افغانستان تا حالی این طور کسی پیدا نشده که سرمایه گذاری کنه و اینجه تولید کنه و به مصرف برسه. دیگه حتما کدام مشکلات امنیتی باشه یا کدام مشکلات دیگری است که آنها آماده نیستن اینجه بیایند.

ک: مواد خام ارزشش به چی حد اس؟

HSMPrivateKabul100618: مواد خام مو، تجار است که اینجه می آورند و ما مطابق ضرورت خود از آنها خریداری می کنیم. مثلا ده ای هفته ما یک تیلر مال مصرف داریم. یک تیلر مال خوده می خریم. و اگر کسی باز زیافتر روان می کنه خودشان باز همو به حساب اوگرایی اس که پیسه یشان ره آهسته آهسته خلاص کرده میریم.

ک: درست از شما هم اوگرایی اس پس؟

HSMPrivateKabul100618: ها اوگرایی اس! ما هم از تجار به حساب اوگرایی مال می خریم.

ک: یک تُن ره چند می خرید مثلا؟

HSMPrivateKabul100618: یک تُنش ده ای روزها تقریبا – 27.5 ضرب چهل – ، یک تُنش 1100 دالر می آیه.

ک: باز چند تُن می خرید وقتی که کار بیخی رونق داشته باشه؟

HSMPrivateKabul100618: کار که رونق داشته باشه ما به حساب ماهانه تا 50 تُن، 60 تُن از مواد پی.وی.سی می خریم. یک 50 تُن، 60 تُن از مواد کلسیم کاربونیت می خریم به خاطری که او هم مکس میشه همرایش. بعضی دیگه کیمیکل [chemical] ها اس، ون پیک [one pack به گویش پاکستانی] میگن، استیبیلیزر [stabilizer] که آنها کم کم مصرف میشه. به حساب تیتانیم اس. از اینها می خریم.

ک: ده یک قلم تولیدی باز به پکج می فروشید یا [به هر شکل دیگری] مصرف مواد خام در این چند اس؟ چقدر مفاد می مانه به شما؟

HSMPrivateKabul100618: خُب این ره که ما فورموله وضع می کنیم به هر – گفتم دو ستندرد ره ما تولید می کنیم – ستندرد اولی و دوم ستدرد بازار. دیگه ستندرد اول فورمولش یک قسم اس که چی قسم پی.وی.سی ریزن ده او استعمال شوه. چقدر کلسیم کاربونت شوه. ای کلش سنجش میشه. قیمت هایش سنجش میشه. باز مصارف ره انداخته و ده این چقدر ضایع میشه، اینها ره کلشه سنجش می کنیم و بعد از او قیمت گذاری می کنیم که یک کیلویش برای ما این قدر تمام شد باید چقدر مفاد ده آن بگیریم. دیگه او ره باز خوده ما سنجش می کنیم، که کیلوی دو روپیه بگیریم، کیلوی سه روپیه بگیریم. کیلوی چهار روپیه بگیریم. خو بعضی شرکت های که عمده اس ما عمده برای آنها میتیم و مفادش کمتر اس. کس های که باز به حساب پرچون می آیند برای آنها مفادش یک کمی زیافتر میباشه.

ک: چند اس مثلا، یا چند فیصد میباشه؟

HSMPrivateKabul100618: ما حالی که ده بازارهای که فعلا است از 5 فیصد زیاد مفاد گرفته نمیتانیم. و بعضی اوقات شاید سر به سر هم باشه.

ک: یعنی هم پرچون و هم عمده؟

HSMPrivateKabul100618: ها! به خاطری که حالی بازارها بسیار سست شده و مردم هم، رقابت هم زیاد شده و فابریکه ها هم زیاد شده، فابریکه های تولیدی. چون مفاد کمتر شده نسبت به سابق.

ک: رقابت گفتید. رقابت از داخل متوجه شما اس یا از بیرون؟

HSMPrivateKabul100618: از بیرون خو حالی او قدر نیس. زیادتر ده داخل، شرکت های داخلی اس. رقابت های داخلی اس.

ک: از چند سال به این طرف؟

HSMPrivateKabul100618: یارا دو سه سال میشه تقریبا که رقابت های منفی شروع شده. سر کیفیت، کیفیت ره پایین آورده میرن، نرخ ها ره پایین کرده میرن. حالی بعضی ممالک اس که کیفیت خوده بالا می برن. از لحاظ کیفیت آنها رقابت می کنند. و در افغانستان بالعکس. کیفیت ره پایین می آورند و نرخ ها ره پایین می آورند. مردم افغانستان اوقه تجربه ی کافی ندارن. ایقه علمیت کافی ندارند که جنس ره مشخص کنند. یا اجناس ره بشناسند که این خوب اس این خراب اس. دیگه به همی حساب رقابت های منفی اس.

ک: یعنی شرکت های اس که از چندین سال فعال هستند و حالی مثلا؟

HSMPrivateKabul100618: بعضش چندین سال اس و بعضش نو آمده خو این طور ده افغانستان یک چیزی داره، یک سلسله مشکلاتی که ده همی مارکیت که یک نفر دید که یک چیز چلش زیاد پیدا کرد، باز هر کس کوشش می کنه که همو کار ره شروع کنه. او ای ره نمی فهمه که این چقدر مشکلات داره. ده یک وقتی ببینی که یا خودش تاوانی شده یا فابریکه اش بند شده یا دیگه مشکل و جنجال پیدا شده برایش. زیادتر شرکت ها همین طور شده.

ک: این ره باز اتحادیه ی صنایع نمیگه که مثلا، کسی که نو تصمیم می گیره به صنعتکاری؟

HSMPrivateKabul100618: به کار خو بود [مفید بود] که اینها یک مشوره می دادند، خو چون این قدر، یک چیز وجود نداره. اگر چه آیسا یک وقتی که گفت که همو رییسش که کس های نو می آیه سرمایه گذاری می کنن، با ما مشوره کنن که ما ده کدام اقلام خودکفا هستیم، ضرورت نیس که ده این بخش سرمایه گذاری شوه. کدام چیزهای که نداریم از بیرون وارد می کنیم، باید سر اونها کار شوه. سر او چیزها. ولی چون آیسا هم حالی ختم شد، از بین رفت، منحل شد از طرف دولت افغانستان. مربط وزارت تجارت شد. دیگه همین طور ماند، همی چیزها همین طور گد و ود مانده اند.

ک: ماشین آلاتی که دارید به درد یک نوع تولید می خورند؟

HSMPrivateKabul100618: این خاص به خاطر پیپ اس.

ک: این طور هم شده که تولیدتان ده گدام باقی مانده باشه؟

HSMPrivateKabul100618: بعضی اجناس می مانه. بعضی اجناس که فروشش زیاد نیس و ما تولید کرده ایم، می مانن. تا یک سال هم می مانن. تا شش ماه ره هم می مانن.

ک: چند فیصد تولیداتتان معمولا می مانه ده گدام؟

HSMPrivateKabul100618: بسیار کم میباشه. زیاف نمی باشه. او چیزهایی ره که زیاد فروش نمیشه ما تولید هم باز نمی کنیم [تولیدش ره متوقف می کنیم یا کم می کنیم]. او ره خود ما هم می بینیم که فروش نمیشه. او یگان کسی که یگان وقت می فهمیم که این چیز ره برای ما فرمایش داد، یک چیزی اگه اضافه جور می کنیم، باز تقاضای او بسیار وقت بعد می آیه. او [ده عین حال ده گدام] می مانه کتی ما. و دیگه چیزهای که اس روزمره فروشاتش اس، اونها ره باز ما زیاف زیاف جور می کنیم و مصرف میشه زیاد نمی مانه ده گدام.

ک: بازاریابی تان بیشتر به چی شکل است؟ رو در روی اس یا این که [...] مشتری که اولین دفعه همراه شما داخل معامله میشه چی رقم اس؟ از طریق تلیفون میشه؟ از طریق چی صورت می گیره؟

HSMPrivateKabul100618: بازاریابی خو ما از همو افتدا به حساب مارکتنگ که کار ره شروع کردیم، مارکتنگ کردیم با شرکت ها دیدیم، با دکاندارها دیدیم و با بعضی ان.جی.او ها دیدیم. بروشرهای خوده بوردیم. کلتلاک های خوده بوردیم. همراهشان ملاقات کردیم. ایمیل آدرس های خوده دادیم. وبسایت خوده دادیم و دیگه بعضی کس های اس که ده ساحه آنها مطرح هستن. مثلا به حساب برمه کار، چاه های که حفر می کنن، آنها ده ساحه مطرح هستن. ما زیادتر کتی همی رقم مردم خوده به تماس گرفته ایم. زیادتر مال ما ره همین گونه مردم به فروش میرسانه.

ک: یعنی خریدارهای دایمی دارید؟

HSMPrivateKabul100618: [بله] خریدارها دایمی داریم. اونها دیگه تصمیم عمده ی ما این بود که ده هر ولایت یک نمایندگی داشته باشیم. مثلا نمیتانه یک دکاندار بیایه از چی [از یک ولایت] مال بخره. [بهتر] است که مال تیار همونجه باشه و خریداری کنه و همونجه مال برایشان توزیع کنه ده همو شهر. ده همو منطقه و ده همو چیز. دیگه باز بعضی مردم تلیفون و آدرس های تلیفون ما از طریق بروشر برایشان میرسه، یا از طریق ایمیل برایشان میرسه، یا سرِ پیپ نوشته میباشه و آنها می گیرند بعضی اوقات برای ما زنگ می زنن و نرخ ره می گیرند. یا خودشان می آیند اینجه. ما همی قسم کورکورانه کار نمی کنیم که یکی کسی زنگ بزنه برای ما که این قدر برای ما مال تیار کو، نی [این رقم نمیشه]. اگه می گویند هم باز می گوییم که پولتانه اول جمع کنید بعد از او باز برایتان تولید می کنیم. باز اگه کسی ره بشناسیم و تضمین داشته باشه، کتی ما پروتوکول داشته باشه بعد از او باز ما معامله می کنیم.

ک: به فکر نوآوری هم می افتید؟ که تولیدات ره به خاطر رقابت تغییرات بیاورید؟

HSMPrivateKabul100618: بله ها. این چیزها خو استه. ده رنگ مثلا تغییر می آوریم. ده چیزش تغییرات می آوریم. ده مارکیت مثلا که یک چیز نو به مارکیت عرضه شوه. که جالب باشه و مرغوب باشه.

ک: این انگیزه ها ره برایتان کی میته باز؟

HSMPrivateKabul100618: خو ما بازار ره مطالعه کرده دیگه می بینیم که چی چیزی ده بازار خوب فروش داره.

ک: آخرین بار کدام سال بود که ده تولیدات تان یک تغییرات آوردید به خاطر، یک نو آوری کردید که فروشات بالا بره؟

HSMPrivateKabul100618: ده همی 2015 و تقریبا 2016 دیگه، همی تصمیم ره گرفتیم که بعضی اجناس که ده بازار زیاد سودا میشه او ره مطالعه کردیم که باید ما کدام جنس ره باید به مردم چیز کنیم که زیاد فروش شوه. همو ره، مثلا، به حساب رنگ [...] سابق رنگ سیاه سودا میشد. رنگ سفیده رواج کردیم. زیاد رنگ سیاه می آوردیم. باز رنگ سفیده رواج کردیم. حال زیادتر مردم رنگ سفیده می خواهه. ده خود کابل. ده ولایت ها باز هم همو رنگ های سیاه به فروش میرسه. به حساب تکنس و زخامت، تغییرات آوردیم مثلا. که مالی که یک ذره زخامتش زیاد باشه مردم خوش می کنه که باید قویتر باشه و خوبتر باشه. به حساب فلترهای که ما کوشش می کنیم به خاطر چاها استفاده میشه، فلترهایشه یک ذره تغییر بتیم و خوبتر کنیم که همو علاقمندی مردم ره به خود جلب کنه. به حساب فنیشنگ هم که هر قدر خوبتر باشه و جلادار باشه و صاف باشه. بازار خوش می کنه. همی چیزها کلشه در نظر می گیریم بعد از او تصمیم می گیریم.

ک: ده یک روز چند ساعته وقف کار می کنید؟

HSMPrivateKabul100618: کارگرهای ما خو 12 ساعت اس. دو شفت اس. 12 ساعت یک شفت کار می کنه. او که خلاص شد باز او تسلیم می کنه به شفت بعدی. خودم دیگه این طور پابند نیستم. دیگه کاریگرها باید از ساعت 8 بیاییند تا 4 بجه ره. کارگرهای دفتری. خودم دیگه پابند نیستم. اگه وقت ضرورت باشه وقت می آیم، اگه دیگه مصروفیت ده بیرون داشته باشم باز ناوقت می آیم. گاهی وقت میرم، گاهی ناوقت میرم.

ک: حداوسط

HSMPrivateKabul100618: ده حدود 7 ساعت، 8 ساعت، حد اوسط کار می کنیم ها. زیادتر هم میشه. یگان وقت 10 ساعت هم میشه.

ک: ده کدام بخش دیگه هم سرمایه گذاری کرده اید؟

HSMPrivateKabul100618: تا هنوزه نکرده ایم. اگه پول به دست بیایه. تصمیم داریم که یک چیز دیگه هم شروع شوه ده پهلویش.

ک: مثلا ده کدام بخش؟

HSMPrivateKabul100618: خو او باید این طور یک چیز باشه که مربطو به همین شرکت ما باشه. مثلا فابریکه ی تولید چالک یا کلسیم کاربونیت مثلا. ها، یا مثلا بخش فتنگ این ره نداریم ما. باید فتنگ اش زیاد به فروش میرسه. فتنگ های همی پی.پی.آر ره نداریم، ده این بخش تصمیم داریم که اگه پیسه به دست بیایه، پول به دست بیایه که ماشین هایشه وارد کنیم و شروع کنیم. بخش پیپ های گاردن پایپ [garden pipe] اش میگن، به خاطر آبداری و این چیزها به درد می خوره، دیگه همین چیزها ره تصمیم داریم خو شرایط ره دیده، وضعیت افغانستانه دیده که پول – اقتصاد افغانستان یک ذره رو به ضعف روان است و مردم بی پیسه شده بیخی. وقت کرزی لالا نیست که پیسه ها و دالرها زیاد بود. مردم مصرف زیاد می کرد. حالی او قدر مصرف نمی کنند.

ک: شما قبلا ده تجارت مصروف بودید اما یک بار دیدید که تعرفه بالا رفت، چرا ده یک بخش دیگری سرمایه گذاری نکردید و ده تولید سرمایه گذاری کردید؟

HSMPrivateKabul100618: ما خو یک علت عمده ره برایتان گفتم. چون پول ما ده همین چیز پیش مردم بود. باز اینالی گه دیگه چیز ره می گرفتیم، باز همو پول های که ده بین مردم تیت بود و پاشان بود، پیش آنها بود، جمع کردن او باز برای ما یک ذره مشکل تمام میشد. بسیار مشکل تمام میشد. دیگه خوبتر و بهتر همی ره دانستیم که ده همی رشته ی خود سرمایه گذاری کنیم و صنعت خوده فعال کنیم که همی کار ما هم از دست نرود و مردم و کس های کتی ما مشتری هستند همونها هم از دست ما نروند.

ک: تشکر حاجی صاحب!

HSMPrivateKabul100618: قابلش نیست. تمام شد؟